

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١١٢٢٢



دانشگاه قم
دانشکده ادبیات

پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مختصات پندنامه‌های فارسی از قرن ۴ تا ۶

با تکیه بر قابوس نامه - سیاست نامه - نصیحة الملوک

استاد راهنما:

دکتر سید علی رضا حجازی

استاد مشاور:

دکتر بهاء الدین اسکندری

۱۳۸۸/۷/۶

استاد راهنما: دکتر سید علی رضا حجازی
استاد مشاور: دکتر بهاء الدین اسکندری

نگارنده:

اصغر اللهیاری

۱۱۸۳۳۲

زمستان ۱۳۸۷

تاریخ: ۱۹/۱۱/۸۷

شماره: ۱۱۵، الفع

پیوست:

بیت



جمهوری اسلامی ایران
علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»
 جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای اصغر الله یاری رشته: زبان و ادبیات فارسی تحت
 عنوان "مختصات پند نامه های فارسی از قرن ۴ تا ۶ (با تکیه بر قابوس نامه، سیاست نامه و نصیحت
 الملوک امام غزالی" با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۵ تشکیل گردید.
 در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد با حروف
 با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

۱۸۱۵
 هجدهم

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای علیرضا حجازی	استاد راهنما	استادیار	
آقای بهاء الدین اسکندری	استاد مشاور	استادیار	
آقای یحیی کاردگر	استاد ناظر	استادیار	
آقای محمد رضا یوسفی	استاد ناظر	استادیار	
آقای علیرضا نبی لو	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

رصدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء: محمد ثابتی

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء: دکتر علیرضا نبی لو

جاده قدیم اصفهان،
 دانشگاه قم
 پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
 تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
 دورنویس:
 ت آموزش ۲۸۵۵۶۸۲
 ت اداری ۲۸۵۵۶۸۶
 ت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

((نصیحت کردن و نصیحت خواستن هر دو

آسانست ، دشوار قبول کردنست))

((امام محمد غزالی))

تقدیر و تشکر:

در اینجا جای دارد تا از زحمات بی دریغ اساتید گرانقدر که در طول این دوره از محضرشان کسب فیض نموده‌ام کمال تشکر و قدردانی را بنمایم به ویژه از آقایان دکتر سیدرضا حجاری و دکتر بهاء‌الدین اسکندری، استاد راهنما و مشاور خویش که در به انجام رسانیدن این رساله زحمات بسیاری را متحمل شدند. از خداوند منان طول عمر با عزت برایشان خواستارم.

چکیده

یکی از گونه‌های ادبیات تعلیمی آثار و نوشته‌های را در بر می‌گیرد که موضوع آن‌ها اخلاق است؛ این قبیل آثار شامل مجموعه‌ای از حکمت‌ها، مواعظ، دستورهای تربیتی و اخلاقی و دینی و کشوری است که هدف از تألیف آنها تربیت و راهنمایی مخاطبان خویش است. این گونه آثار که با نام‌های پندنامه، اندرزنامه، نصیحت‌نامه، وصیت‌نامه، نصیحة‌الملوک، سیرالملوک و... شهرت یافته‌اند، بخش عظیم و بسیار غنی از زبان و ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهند. در ادبیات فارسی بزرگترین نوآوری در زمینه بیان پند و اندرز آوردن زمینه داستانی برای پندها و اندرزهاست، به گونه‌ای که این داستانها و حکایات یکی از عناصر اساسی آثار اخلاقی فارسی (پندنامه‌ها) را تشکیل می‌دهد، داستان‌ها و حکایات مطرح شده در آثار اخلاقی فارسی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. دسته اول حکایات واقعی و تجربی؛ یعنی حکایاتی که در طول تاریخ رخ داده است و پندنامه نویس از آنها برای برجسته کردن پند و اندرز و نیز برانگیختن توجه خواننده از آنها بهره برده است و دسته دوم حکایاتی ساختگی و تخیلی؛ یعنی حکایاتی که ذهن وقاد پندنامه‌نویس با توجه به نیازی که احساس می‌کند، دست به آفرینش آن می‌زند، به طور کلی می‌توان گفت که هدف پندنامه نویسان از به کار بردن حکایات و داستان در طول اثر این بوده است که تعالیم اخلاقی خویش را به صورت زنده و پویاتر در اختیار مخاطبان خویش قرار دهند نه به صورت تعاریف خشک و کسل‌کننده تا بموجب تأثیرپذیرئی هر چه بیشتر تعالیم اخلاقیشان بر روی مخاطبان خویش شوند بررسی ویژگی‌ها و مختصات این آثار می‌تواند ما را در جهت هر چه بهتر شناختن تعالیم و مفاهیم اخلاقی موجود در این آثار یاری کند.

کلیدواژه‌ها: پند - اندرز - نصیحت - وصیت - اخلاق - مواعظ - وعظ.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۴	پیش درآمد
۱۴	پند
۱۵	پندنامه
۱۹	فصل اول: پند پهلوی
۲۱	۱. آثار کتیب‌های
۲۱	۲. کتاب‌های پهلوی
۲۱	الف) متون فلسفی و کلامی
۲۱	۱. شکنند گمانیک وزار
۲۲	۲. کتاب سوم و چهارم و پنجم دینکرت
۲۲	۳. گجستگ ابالیش
۲۲	ب) ترجمه و تفسیرهای اوستابه پهلوی
۲۲	۱) بندهش
۲۲	۲) گزیده زاداسپرم
۲۳	۳) دادستان دینیک
۲۳	پ) الهام و پیشگویی
۲۳	۱) ارداویراف نامه
۲۳	۲) جاماسپ نامه
۲۳	۳) آمدشاه بهرام ورجاوند
۲۴	ت) اندرزنامه‌ها و پندنامه‌ها
۲۵	۱. اندرزهای دینی
۲۵	نمونه‌هایی از اندرزهای دینی
۲۷	۲. اندرزهای تجربی
۲۷	نمونه‌هایی از اندرزهای تجربی
۲۹	معرفی برخی از اندرزنامه‌های پهلوی
۲۹	۱. اندرزنامه آذرباد مهرسپندان
۲۹	۲. پندنامه زرتشت
۳۰	۳. اندرز اوشنردانا

۴. اندرز خسروکواتان (قبادان) ۳۰
۵. اندرزنامه بزرگمهر ۳۱
- برخی از مضامین متون پهلوی ۳۱
۱. خرد و توجه به آن ۳۲
۲. اعتدال و میانه روی ۳۳
۳. انجام اعمال نیک (کرفه) و دوری از گناه (بزه) ۳۳
۴. خرسندی و شاد بودن ۳۴
۵. کوشا بودن و تلاش کردن ۳۴
- تأثیرپذیری نویسندگان اسلامی از پندنامه‌های پهلوی ۳۶
- ۱: در شیوه انشاء ۴۰
- ۱-۱. درج و تضمین کلام موزون در طی نثر (استشهاد شعری) ۴۰
- الف) اندرز دانایان به مزیدیسان ۴۰
- ب) اندرز بهزاد فرخ پیروز ۴۱
- ۱-۲. سیاقه الاعداد (ذکر اعداد در اثر) ۴۱
- ۱-۳. صنعت سؤال و جواب ۴۲
۲. از لحاظ مضمون ۴۳
- برخی از مضامین مشترک میان پندنامه‌های پهلوی و پندنامه‌های فارسی ۴۵
- سوگند نخوردن ۴۵
- میهمانی رفتن ۴۵
- سخن گفتن ۴۵
- پرهیز از همنشین با نادان ۴۶
- حق مطلب را ادا کردن (داد دادن) ۴۶
- سخن گفتن ۴۶
- تقسیم شبانه روز به سه بهره ۴۷
- با اندیشه سخن گفتن ۴۷
- شادی و غم ۴۷
- مزاح کردن ۴۸
- از بین بردن غم ۴۸
- آنچه از جان عزیزتر و گرامی‌تر است ۴۸
- سخاوت و جوانمردی ۴۹
- تقسیم بهره و خواسته گیتی ۴۹
- دین و ملک ۵۰
- منهیان و جاسوسان گماشتن ۵۱

۵۲	فصل دوم: پندنامه‌های فارسی
۵۶	نمونه‌ای از نامه تنسر
۵۸	نمونه‌ای از ظفرنامه
۶۵	انواع پندنامه‌ها
۶۵	۱. انواع پندنامه‌ها از لحاظ قالب
۶۷	تعدادی از پندنامه‌ها که در قالب نثر نوشته شده‌اند
۶۸	نمونه‌ای از سیاست‌نامه
۶۹	تعدادی از پندنامه‌ها در قالب نظم
۶۹	نمونه‌ای از پندنامه منسوب به عطار
۷۰	۲. انواع پندنامه‌ها از لحاظ طرز بیان
۷۱	نمونه‌ای از نصیحة الملوک غزالی
۷۲	نمونه‌ای از ظفرنامه
۷۳	نمونه‌ای از صد پند عبید زاکانی
۷۴	نمونه‌ای از مثنوی نان و حلوا شیخ بهایی
۷۵	نمونه‌ای از قصیده موش و گربه عبید زاکانی
۷۶	۳. انواع پندنامه‌ها از لحاظ موضوع
۷۷	۱. پندنامه با موضوع عرفانی و صوفیانه
۷۷	پندنامه امام محمد غزالی به یکی از شاگردانش
۷۸	وصیت (پند) نامه امام احمد غزالی
۷۹	برخی از پندنامه‌ها با موضوع عرفانی و صوفیانه
۷۹	۲. پندنامه‌ها با موضوع پند پدر به پسر
۸۰	برخی از پندنامه‌ها با موضوع پند پدر به پسر
۸۱	نمونه‌ای از قابوس نامه عنصر المعالی
۸۲	۳. پندنامه‌ها با موضوع سیاسی
۸۳	برخی از پندنامه‌ها با موضوع سیاسی
۸۳	نمونه‌ای از نصیحة الملوک امام محمد غزالی

۸۵	فصل سوم: معرفی کتب پند
۸۶	۱. قابوس‌نامه
۸۹	۱. آداب نان خوردن
۸۹	۲. ازدواج
۹۲	۱. سادگی و روانی

۹۳	۲. استفاده اندک از لغات و الفاظ تازی
۹۳	۳. صراحت بیان و صدق لهجه
۹۶	فهرست آیات و احادیث نبوی در قابوس نامه
۹۶	باب دوم: در آفرینش و ستایش پیامبر ۷
۹۶	باب چهارم: در فزونی طاعت از راه توانش
۹۶	باب پنجم: در شناختن حق مادر و پدر
۹۷	باب ششم: در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر
۹۷	باب بیستم و یکم: در جمع کردن مال
۹۷	باب بیستم و دوم: در امانت نگاه داشتن
۹۸	باب سی ام: در عقوبت کردن و حاجت خواستن و روا کردن
۹۸	باب سی و نهم: در آداب و آیین دبیری و شرط کاتب
۹۸	باب چهل و دوم: در آیین و شرایط پادشاهی
۹۸	باب چهل و چهارم: در آیین جوانمرد پیشگی
۱۰۰	باب بیست و هفتم: در حق فرزند و حق شناختن
۱۰۰	باب سی و دوم: در بازرگانی کردن
۱۰۰	باب سی و چهارم: در علم نجوم
۱۰۰	باب سی و هفتم: در خدمت کردن پادشاه
۱۰۱	۲. سیاست نامه (سیرالملوک)
۱۱۱	فهرست آیات و احادیث نبوی در سیاست نامه
۱۱۱	فصل سوم: اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو ورزیدن
۱۱۱	فصل هفتم: اندر پرسیدن از حال عامل و قاضی و شحنه و رئیس
۱۱۲	فصل هشتم: اندر پژوهش کردن و بر رسیدن کار دین و شریعت
۱۱۲	فصل هجدهم: اندر مشاورت کردن پادشاه با دانشمندان و
۱۱۲	فصل بیست و یکم: اندر معنی احوال رسولان و ترتیب کار
۱۱۲	فصل سی و چهارم: اندر عتاب کردن با برکشیدگان هنگام
۱۱۲	فصل سی و نهم: اندر شتاب ناکردن در کارهای مملکت
۱۱۳	فصل چهل و دوم: اندر دو عمل یک را نافرمودن و
۱۱۳	فصل چهل و سوم: اندر معنی اهل ستر و سرای حرم و حد
۱۱۴	فصل چهل و هفتم: اندر بیرون آمدن باطنیان در خراسان و
۱۱۴	فصل چهل و هشتم: اندر خزاین نهادن و نگاهداشتن و
۱۱۴	فصل چهل و نهم: پاسخ دادن و گزاردن شغل متظلمان و
۱۱۵	فصل هفتم: اندر پرسیدن از حال عامل و قاضی و
۱۱۵	فصل چهل و چهارم: اندر دو عمل یک مرد را نافرمودن و

فصل چهل و سوم: اندر معنی اصل ستر و سرای حرم و.....	۱۱۶
فصل چهل و نهم: اندر پاسخ دادن و گزاردن شغل متظلمان و.....	۱۱۶
فصل پنجاهم: اندر نگاهداشتن حساب و مجموعات و.....	۱۱۷
۳. نصیحة الملوک غزالی.....	۱۱۷
۱. اندر زهای سبکتگین.....	۱۱۸
«پندنامه امیر سبکتگین رحمة الله».....	۱۱۹
۲. آداب سلطنت و وزارت.....	۱۲۲
فصل اول: نصیحة الملوک.....	۱۲۳
فصل دوم: نصیحة الملوک.....	۱۲۶
بخش دوم: نصیحة الملوک.....	۱۲۸
فهرست آیات و احادیث نبوی در نصیحة الملوک غزالی.....	۱۳۴
باب اول: در عدل و سیاست و سیرت ملوک.....	۱۳۴
باب دوم: در سیاست وزارت و سیرت وزیران.....	۱۳۵
باب سوم: اندر ذکر دبیران و هنرمندی ایشان.....	۱۳۶
باب ششم: شرف خرد و خردمندان.....	۱۳۸
باب هفتم: اندر صفت زنان و خیر و شر ایشان.....	۱۳۸
فصل اول: در عدل و سیاست و سیر الملوک.....	۱۳۹
باب سوم: اندر ذکر دبیران و هنرمندی ایشان.....	۱۳۹
فصل هفتم: اندر صفت زنان و خیر شر ایشان.....	۱۴۰
حکایت و حکمت‌های مشترک میان قابوس نامه و نصیحة الملوک.....	۱۴۰
- حکایات و حکمتهای مشترک میان نصیحة الملوک و.....	۱۴۱
۱. حکایات عبدالله بن عمر (فرزند عمر) و.....	۱۴۲
۲. حکایت پادشاه عدل پروری که به گوش گران بود.....	۱۴۳
۳. حکایت عمارة بن حمزه در روز مظالم در پیشگاه خلیفه.....	۱۴۳
۴. حکایت بوعلی الیاس سالار نیشابور و بوعلی دقاق زاهد.....	۱۴۴
۵. حکایت عمر بن عبدالعزیز و قحطی.....	۱۴۵
۶. حکایت به مظالم نشستن مأمون عباسی.....	۱۴۶
۷. حکایت اسماعیل بن احمد و عمر ولیث.....	۱۴۷
۸. حکایت زید بن اسلم و امیر المؤمنین عمر بن خطاب.....	۱۴۸
۹. حکایت عمر ولیث و یکی از خویشانش به نام بو جعفر زیدویه.....	۱۵۰
۱۰. حکایت گشتاسب و وزیر او راست روشن در نصیحة الملوک و.....	۱۵۲
۱۱. رسم ملوک عجم در دادخواهی از خویشان.....	۱۵۴

۱۵۷	فصل چهارم: مختصات
۱۶۲	مختصات پندنامه‌ها فارسی
۱۶۲	۱. بیان حکایت
۱۶۵	۲. ایجاز
۱۶۶	۱. نوع موضوع
۱۶۷	۲. به واسطه تقلید از پندنامه‌های کهن
۱۶۷	نمونه‌ای از ایجاز در نثر پهلوی
۱۶۷	نمونه‌ای از کلمات قصار در پندنامه‌های پهلوی
۱۶۸	نمونه‌ای از ایجاز در قابوس‌نامه
۱۶۹	نمونه‌ای از ایجاز در سیاست‌نامه
۱۶۹	۳. ارسال‌المثل
۱۶۹	نمونه‌ای از صنعت ارسال‌المثل در نثر پهلوی
۱۷۰	نمونه‌های از ارسال‌المثل در سیاست‌نامه
۱۷۰	نمونه‌ای از این صنعت در قابوس‌نامه
۱۷۱	نمونه‌ای از صنعت ارسال‌المثل‌ها در نصیحة‌الملوک
۱۷۱	۴. عدم استفاده از سجع
۱۷۲	۵. سادگی و روانی
۱۷۴	فصل پنجم: مخاطب
۱۸۱	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

در حدود بیست و دو هزار سال پیش انسان در غارهای «لاسکو» نخستین تصاویر را بر روی دیوار رسم کرد. از آن پس تقریباً هفده هزار سال طول کشید تا هنر خط و نوشتار، شگفت‌انگیزترین دستاورد انسان، به وجود آید. باستان‌شناسان معتقدند که احتمالاً انسانهای اولیه علامتهای مکتوب را به منظور حفظ حکایت‌های خود و تاریخ نویسی ابتدایی به کار گرفته‌اند. دهها هزار سال است که طرح‌گونه‌ها، علامتها و اشکال به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط پیامهای ساده بین انسانها به کار می‌رود. تاریخچه خط و نوشتار الفبا فرایندی طولانی دارد و این فرایند به کندی و با پیچیدگی پیش رفته است، تا جایی که اسناد نشان می‌دهد، خط و نوشتار در میان «دو رود» یا همان «بین‌النهرین»، سرزمین بین دو روخانه دجله و فرات آغاز شد. این سرزمین که از خلیج فارس تا بغداد امتداد دارد، در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح به دو ناحیه سومر در جنوب و کلدان در شمال تقسیم می‌شود.

انسانها در ابتدا برای تبادل افکار و اندیشه‌ها از تصاویر برای افاد معنی استفاده می‌کردند سپس به مرور زمان تکامل یافت و به شکل مدرن‌تر در آمد که خط میخی یکی از آنهاست و سپس با تکامل و پیشرفت بیشتر به شکل الفبایی امروزی در آمده است. با اختراع نوشتن بود که بشر به کمک آن توانست تاریخ را ثبت کند و دانسته‌ها و کارها و اندیشه‌های خود را محفوظ نگاه دارد. یکی از رشته‌ها و مقوله‌هایی که به مدد این اختراع شگفت بشری حفظ شده و امروزه به دست ما رسیده است، کتابها و رسائلی در حکمت عملی و اخلاق است این گونه آثار نوشته‌هایی را در بر می‌گیرد که موضوع آنها اخلاق است. اخلاق خود بر همه کارهایی که از نفس صادر می‌شود چه پسندیده و

مقبول چون: صداقت، دوستی، گذشت، مهربانی و... و چه ناپسند و مذموم چون: حسد، ریا، کبر، حقد و... اطلاق می‌گردد و بر دو گونه است: یکی آنکه طبیعی است و در سرشت انسان وجود دارد، و دیگری آنکه از طریق عادت و کسب تجربه به دست می‌آید. حکمای اخلاق سعی کرده‌اند تا با تکیه بر فضیلت‌های انسانی، رذیلت‌های انسانی را از میان بردارند و از طریق دعوت انسانها به انجام امور پسندیده و دوری از امور ناپسند، انسان را به سوی سعادت راهنمایی کنند. تألیف آثار در این زمینه (حکمت عملی و اخلاق) از دیر باز تا کنون رواج داشته است. این گونه آثار در ابتدا به صورت پند و اندرز تألیف شده‌اند و در قالب کتبی به نام پند نامک یا اندرز نامک ارائه می‌شده‌اند. اندرزنامه و اندرزنامه نویسی ریشه‌ای عمیق در فرهنگ مردم ایران دارد، اندرزنامه‌ها با دیدی ارشادی و اخلاقی سعی در بیان بایدها و نبایدها در جهت زندگی بهتر انسانها دارند.

نوشتن پندنامه و اندرزنامه در عهد ساسانیان رواج بسیار داشته است، این گونه گفته‌اند که تألیف این نوع آثار از زمان خسرو انوشیروان متداول گردیده است، اما به هر حال نکته‌ای که مشخص و بارز است این است که مهمترین بخش ادبیات پهلوی را پندنامه‌ها و اندرزنامه‌ها تشکیل می‌دهد که به زبان ساده و روان و با جملاتی کوتاه و کلمات قصار نوشته شده‌اند. در عهد ساسانیان پادشاهان، بزرگان دینی و دانیان چون انوشیروان، آذرباد مهر سپندان و اوشنر دانا غالباً نصایح و سخنان پراز اندرز و پند خود را به شکل پندنامه یا اندرزنامه تدوین می‌کردند، البته تعیین مؤلف و زبان تألیف درست و واقعی برای بیشتر پندنامه‌های پهلوی بر جای مانده کاری بسیار دشوار و حتی می‌توان گفت ناممکن است، زیرا پندها و اندرزها از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شوند و در این بین دچار تغییراتی می‌گردند و به همین دلیل است که گاهی یک پند مشابه به افراد مختلفی نسبت داده می‌شود.

پندنامه‌های پهلوی را می‌توان به دو دسته مجزا تقسیم بندی کرد:

۱. اندرزنامه‌های دینی؛ منظور از اندرزنامه‌ها یا پندنامه‌های دینی، کتب و رسالاتی است که مبنای پند و اندرز در آنها اصول و عقاید دین زرتشت است. این پایبندی به اصول و عقاید زرتشت در این آثار به گونه‌ای است که می‌توان این متون را جزء متون دینی قلمداد کرد، زیرا پندها و اندرزهای دینی موجود در این قبیل آثار تنها توجیه دینی دارند. به عنوان نمونه در مینوی خرد

می خوانیم که «بدون گستی و سدره راه مرو تا از تو به دو پایان و چهار پایان و به فرزندان گزند نرسد» و یا «مرد باید هر چه بیشتر به آتشکده رود و از روی احترام آتش را پرستش و تعظیم کند» و نیز در اندرزهای آذرباد مهر سپندان می خوانیم که «از خوردن گوشت گاو و گوسپندان سخت پرهیزید، چه شمارا در اینجا و آنجا (= در این و آن دنیا) آماری سخت بود، چه مردی که گوشت گاو و گوسپند خورده باشد، دست اندرکار گناه دارد، گناه در آن چه اندیشد و گوید و کند» اندرزنامه خسرو کواتان (قبادان)، اندرزهای فریودتکیشان، اندرز دانایان به مزدیسنان، اندرز دستوران به بهدینان و پند نامک زرتشت (پسر آذر باد مهر سپندان و... از گونه این نوع اندرزنامه‌ها محسوب می شوند.

۲. اندرزهای تجربی؛ این گونه اندرزها و حکم حاصل تجربیات بشری است، لذا متعلق به قوم و مذهب خاصی نیست دعوت به صداقت، راستی و درستی، شاد بودن، کم آزاری و انجام اعمال نیکو و... را می توان از مضامین مشترک این گونه متون دانست. برای نمونه در پندنامه انوشیروان می خوانیم که «با اندوه کسان شاد مشوید» «کم آزاری و بردباری پیشه کنید» «بر ریخته و سوخته غم مخورید» و یا در اندرزنامه آذرباد مهر سپندان می خوانیم که «تا آنجا که توانی مردمان را میازار» «هر چه برای خود نیکو ندانی به دیگر کس مکن». اندرزهای آذرباد مهر سپندان، یادگار بزرگمهر، اندرز پیشینیان، اندرز خوبی کنم به شما کودکان، درباره خیم مرد فرخ و اندرزهای اوشنردانا و... از اندرزنامه‌های تجربی محسوب می شوند. در پایان اشاره به این نکته لازم است که اگر ما برخی از اندرزنامه‌ها را جزء اندرزنامه‌های دینی قرار داده‌ایم به این معنا نیست که در این گونه آثار به اندرزهای تجربی اشاره نشده است، بلکه ما این تقسیم‌بندی را تنها با توجه به صبغه این گونه پندها در این آثار انجام داده‌ایم، یعنی اینکه در این گونه پندنامه‌ها، پندهای دینی بیشتر از پندهای تجربی است، این امر در مورد پندنامه‌های تجربی نیز صادق است.

از ویژگی‌های پندنامه‌های پهلوی می توان به سادگی و روانی و همچنین ایجاز و کوتاهی سخن اشاره کرد. علاوه بر این موارد ما می توانیم به تلفیق نظم و نثر یا همان آوردن شعر در میان نثر در برخی از این متون اشاره کنیم. همانند «اندرز بهزاد فرخ» این اندرزنامه منسوب به دانشمندی است

که اطلاعات زیادی از او در دسترس نمی‌باشد، از آنجا که نام بهزاد فرخ پیروز در آغاز سطر نخست مقدمه این متن ذکر گردیده است، اندرزنامه به او نسبت داده شده است، بخش پایانی این اندرزنامه شعرگونه می‌باشد و برای زیبایی در آن از واژه‌های هم آوا و هم وزن استفاده شده است. نمونه دیگر اندرزنامه‌ها «درباره خیم مرد فرخ» است. این متن نیز با اسم مرد فرخ آغاز می‌گردد و ویژگی‌های او را بیان می‌کند، لذا به این نام خوانده شده است در این متن نیز یک شعر قافیه‌دار در میان پندهای که به نثر است، به چشم می‌خورد.

در پایان باید به این نکته اشاره کنیم که این اشاره کوتاه به اندرزها و پندهای پهلوی دو دلیل اساسی دارد:

۱. اشاره هر چند مختصر به تاریخچه این گونه آثار در دوران پیش از اسلام.
 ۲. تأثیرپذیری و اقتباس نویسندگان دوره اسلامی از پندنامه‌ها و اندرزنامه‌های پهلوی.
- در آثار اخلاقی فارسی چون قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، نصیحة‌الملوک به حکایت‌ها و حکمت‌های فراوانی برخورد می‌کنیم که مربوط به پادشاهان و حکمای ایران باستان است.
- در قابوس‌نامه از میان پنجاه حکایت نقل شده، چهار حکایت مربوط به روزگاران پیش از اسلام، در سیاست‌نامه از میان پنجاه و هشت حکایت، پانزده حکایات مربوط به روزگاران پیش از اسلام و در نصیحة‌الملوک از میان شصت و هشت حکایت، نوزده حکایت مربوط به روزگاران پیش از اسلام است. در مورد نصیحة‌الملوک باید بگوییم که در بخش دوم این کتاب بخش‌هایی وجود دارد با عنوان حکمت که سخنان حکیمان و بزرگان و دانایان در آن ذکر شده است و تعداد آنها هفتاد و شش حکمت است که بیست حکمت از آنها نیز مربوط به شخصیت‌های ایران باستان است.^(۱)

نویسندگان پندنامه‌های فارسی عموماً مخاطبان خود را به مطالعه و بهره بردن از حکایت‌ها و حکمت‌های بزرگان ایران پیش از اسلام دعوت می‌کردند: «... و از این سخن‌ها در این وقت چند سخن نغز و نکته‌های بدیع یاد آمد از قول نوشران عادل ملک الملوک العجم، اندرین کتاب یاد

۱- حکایت‌ها و حکمت‌های ذکر شده تنها تعداد حکایات و حکمت‌های است که در کتاب به عنوان حکایت و حکمت به آنها تصریح شده است.

کردم تا تو نیز بخوانی و بدانی و یادگیری و کاربرد باشی که کار بستن سخن‌ها و پندهای آن پادشاه ما را واجب‌تر باشد که از تخمه آن ملکیم»^(۱)

«... و پادشاه چنان باید که بر نهاد و روش آن پادشاهان رود که پیش از و بوده‌اند به نیکوکرداری و پندنامه‌های ایشان بر خوانند، که ایشان را زندگانی بسیار بوده است و تجربتهای بسیار افتاده است و نیک از بد بدر آورده‌اند و انوشروان با همه نیکو سیرتی کتب مقدمان فرو خواندی و حکایتهای ایشان در خواستی و بر سیرت ایشان رفتی پس پادشاهان این زمانه سزاوارتر که چنان کنند»^(۲)

نکته‌ای دیگر که در این میان می‌توان به آن اشاره کرد وجود برخی مضامین و جملات مشترک است که گاهی از لحاظ لفظی نیز بسیار شبیه به مضامین و جملات در متون پهلوی است. برای نمونه در قابوس‌نامه آمده است «تا بتوانی سوگند به دروغ و راست مخور»^(۳) همین عبارت در اندرزهای آذرباد مهر سپندان اینگونه آمده است «آگاهانه نه به راست و نه به دروغ سوگند مخور» و یا «پس ناکردنی مکن و ناگفتنی مگو»^(۴) که در پندنامه انوشیروان اینگونه آمده است «ناگفتنی سخن مگوید و کار ناکردنی مکنید».

از همین مقوله می‌توان به نمونه‌های در نصیحة‌الملوک غزالی اشاره کرد. در نصیحة‌الملوک غزالی آمده است «حکیم گفت: سه چیز غم از دل ببرد: یکی صحبت دانا و دیگر اوام گزاردن، سوم دیدار دوست»^(۵) همین حکمت در اندرز اوشنردانا اینگونه آمده است «به سه چیز مرد غم (را) شاید گواردن (= تسکین دادن) به سخن دانایان، دیدار دوستان و می». بسیار واضح است که امام محمد غزالی به واسطه تقبیح می‌در جامعه و فرهنگ اسلامی گزینه اوام گزاردن را جایگزین می‌کرده است. از همین مقوله می‌توان به تقسیم بهره‌ها و خواسته‌های گیتی اشاره کرد. در نصیحة‌الملوک آمده است «و جهانیان اتفاق کردند که کار جهان همه بر بیست و پنج رویست، پنج از و به قضا و قدر است... پنج چیز دیگر جهد باید کردن... و پنج چیز دیگر طبعی است... و پنج چیز

۱- قابوس‌نامه، باب ۷.

۲- نصیحة‌الملوک، ص ۱۱۲.

۳- قابوس‌نامه، باب ۲۲.

۴- همان، باب ۲۴.

۵- نصیحة‌الملوک، ص ۲۳۴.

دیگر عادت‌تی... و پنج دیگر میراث است»^(۱).

همین حکمت در متون پهلوی اینگونه آمده است: «این را نیز گویند که چیز گیتی بر بیست و پنج بهره نهاده شده است، پنج (بهر) بر بخت، پنج (بهر) بر کنش، پنج (بهر) بر خوی و پنج (بهر) بر گوهر و پنج (بهر) بر وراثت...».

بعد از فروپاشی حکومت ساسانیان همانگونه که اشاره شد، بسیاری از اندرزها و پندهای پهلوی به ادبیات عرب و سپس ادبیات فارسی راه یافت. سنت اندرزنامه نویسی در دوره اسلامی نیز همچنان ادامه یافت. قرآن کریم به عنوان کتاب دینی و آسمانی مسلمانان حاوی پندها و اندرزهای بسیار والای است. قرآن مجید که محکم‌ترین و قاطع‌ترین مبانی دستورات آسمانی است خود به وعظ و اندرز بشر پرداخته و آدمیان را به گفتن و شنیدن نصایح و مواظب امر فرموده است «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»: بدرستی که خدا می‌فرماید به عدالت و نیکوکاری و به عطا کردن به صاحب قرابت و نهی می‌کند از کار زشت و ناپسند و ظلم، پند می‌دهد شما را باشد که شما پند گیرید. «سوره النحل، آیه ۹۴». قرآن درباره مواظب به خلق در ۲۲ آیه موعظه فرموده اگر چه همه قرآن موعظه است، تا بشر به راه کمال نائل گردد و حکایات و قصص انبیاء و اقوام و ملل پیشین همه برای جلب توجه مسلمین است تا از آنها درس عبرت و موعظت گیرند. خداوند برای بیان پند و اندرز در قرآن از روش قصه‌گویی که می‌توان آن را از مهمترین عوامل جلب مخاطب قلمداد کرد، استفاده کرده است. قرآن در بیان مفاهیم و آموزش‌های مورد نظر خود از حدود ۲۶۸ قصه بهره برده است. حقیقی بودن و واقعی بودن و همچنین مفید بودن و نمادین بودن این قصه‌ها از ویژگی‌های هستند که اثرگذاری و جذابیت آنها را به حد اعلا می‌رسانند. قرآن خود در این باره می‌گوید:

﴿فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾: پس بخوان قصه‌ها را باشد که ایشان اندیشه کنند «سوره ۷ - الاعراف آیه ۱۷۶». ﴿فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾: هر آینه باشد در قصه‌های ایشان پندی مر صاحبان خرده‌ها را «سوره ۱۲ - یوسف - آیه ۱۱۱».

در مورد ویژگی یاد شده (استفاده از قصص) در قرآن، باید بگوییم که این همان ویژگی است که ما در بخش مختصات پندنامه‌های فارسی از آن به عنوان بزرگترین نوآوری در بیان پند و اندرز یاد کردیم که خود مشخص کننده این مطلب است که نویسندگان فارسی با مورد توجه قرآن دادن قصص قرآنی به این ویژگی دست یافته و روش قرآن این کتاب آسمانی را سرمشق آثار و تألیفات خود قرار داده‌اند. نکته‌ای دیگر که در مورد پندها و اندرزهای قرآن کریم می‌توان اشاره کرد، شخصیت لقمان حکیم و پندها و اندرزهای اوست. لقمان حکیم، یکی از چهره‌های دوست داشتنی قرآن و مورد ستایش خداوند است. خداوند لقمان را با صفت «حکیم» یاد می‌کند و این ریشه در این آیه دارد که می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ»؛ ما به لقمان حکمت عطا کردیم «سوره لقمان - آیه ۱۲» از حضرت رسول ﷺ نقل شده است که «لقمان پیامبر نبود، لیکن بنده‌ای فکور و اندیشمند بود، یقینی نیکو داشت، خدا را دوست می‌داشت، خدا هم دوستدارش شد و به او حکمت آموخت» (۱).

در روایات پندهای بسیاری از لقمان نقل شده که یکی بهتر از دیگری است، قرآن کریم هم از نصایح و حکمت‌ها و پندهای لقمان حکیم نمونه‌های را آورده است که هر یک از آنها برای خودسازی و تهذیب نفس و الگوگیری اخلاقی مفید و ضروری است. خود لقمان که صاحب این مواعظ و پندهاست، انسانی خود ساخته بود که با صالحان و حکیمان همنشینی می‌کرد، از دانش آنان می‌آموخت و به دیدار حضرت داود علیه السلام بسیار می‌رفت و از معارف او نیز بهره می‌گرفت و مدتی هم چوپانی می‌کرد. به نقل خدای کریم در قرآن، لقمان فرزند خویش را نصیحت و موعظه می‌کرد. پندها او از یک سو دعوت به توحید و عبادت و از سویی فراخوانی به ایمان و اعتقاد به جزای الهی و محاسبه دقیق پروردگار به اعمال انسان و حساب روز قیامت بود. همانگونه که گفته شد، مخاطب مواعظ حکیمانه لقمان پسرش بود و با خطاب «یابنی» که در آیات الهی آمده او را مورد عطف و مهرورزی قرار می‌داد و نصایح مشفقانه‌اش را به او می‌فرمود، اما در واقع مخاطب اصلی او همه دل‌های خاشع و پندآموز و گوشه‌ای است که شنوای حکمت‌های لقمان‌اند.

«پسرم! برای خداوند: شریک قرار مده که شرک ظلمی بزرگ است... پسرم! اگر عمل انسان (چه نیک و چه بد) به اندازه دانه خردل و ارزنی باشد در دل سنگی، یا در آسمانها، یا در زمین، خداوند آن را می آورد (و پاداش و کیفر می دهد). پسرم! نماز را بر پا دار، امر به معروف و نهی از منکر کن، و بر آنچه در این راه به تو می رسد، صبور و مقاوم باش که این نشانه عزم استوار است. پسرم! صورتت را از روی بی اعتنائی و تکبر، از مردم بر نگردان، در روی زمین مغرورانه و متکبرانه راه نرو، خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. در راه رفتنت، میانه رو و معتدل باش، از صدایت بکاه (و داد و فریاد مزین) همانا زشتترین صداها، صدای الاغهاست» (سوره ۳۱ - لقمان - آیه ۱۳ تا ۱۹).

یکی دیگر از کتبی که در دوره اسلامی تألیف شده و حاوی نصایح و مواعظ فراوانی است نهج البلاغه مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است. از مجموعه ۲۴۱ خطبه نهج البلاغه، ۸۶ خطبه موعظه یا لا اقل مشتمل بر یک سلسله مواعظ است، مانند خطبه ۷۶ که با جمله «انتفعوا ببيان الله» آغاز می شود و خطبه ۱۹۲ که به خطبه قاصعه و خطبه ۱۹۳ که به خطبه متقین معروف است و از مجموعه ۷۹ نامه در نهج البلاغه ۲۵ نامه تماماً موعظه یا متضمن جمله هایی در نصیحت موعظه و اندرز است. مانند اندرز نامه آن حضرت به فرزند عزیزش امام حسن مجتبی علیه السلام که نامه ۳۱ می باشد و فرمان معروف آن حضرت به مالک اشتر که طولانی ترین نامه هاست (نامه ۵۳) و نامه ۴۵ که همانا نامه معروف آن حضرت به عثمان بن حنیف والی بصره است و از مجموعه ۴۸۰ حکمت موجود در نهج البلاغه تماماً مشتمل بر پند و اندرز نصیحت و موعظه می باشد.

در زبان و ادبیات فارسی نیز آثار تعلیمی و اخلاقی فراوانی به چشم می خورد. اولین اثر، اثری است با نام «اندرزهای سبکتگین» (۳۸۷ ه. ق). اثری کوتاه شامل پندها و اندرزهایی در مورد چگونه حکومت کردن بر مردم که منسوب به سبکتگین مؤسس سلسله غزنویان خطاب به فرزند خود محمود غزنوی است. متن کامل این اثر که از چند صفحه تجاوز نمی کند در کتاب «مجمع الانساب»